

نگاهی به شیوه ارزشیابی در نظام آموزش و پرورش ایران



دکتر مهرداد ناظری

بیست همه چیز نیست!

معطوف می شود در حالی که هدف از آموزش توجه به پیشرفت و رشد افراد می باشد. در واقع معلمها در نظام آموزش سنتی با توجه به نمره دانش آموز او را مورد قضاوت و ارزشیابی قرار می دهند.

ب: در ارزشیابی نمره محور فقط به بخشی از اطلاعات علمی اکتسابی دانش آموز توجه می شود و در واقع ما از اطلاعات دانش آموز نمونه برداری کرده و نمونه را به کل عملکرد او تعمیم می دهیم. در حالی که دانش آموز در یک سال تحصیلی باید در همه زمینه های علمی مهارت کسب نماید. شاید سوالاتی که از دانش آموزان در امتحانات پرسیده می شود، نتواند همه مهارت ها و اطلاعات آنها را سنجش نماید ضمن این که آمار نشان می دهد در بسیاری از مواقع سوگیری و انحراف در آزمون ها نیز وجود دارد.

ج: وقتی همه چیز به پایان ترم و امتحان و نمره معیار ختم می شود، طبیعی است که تمام دستاوردهای یک ترم دانش آموز را تحت الشعاع خود قرار می دهد. دانش آموز در طول یک ترم از معلم خود سوالهای گوناگونی می پرسد، به اینترنت رجوع می کند و با مسائل و مطالب گوناگون روبرو می شود، فیلمها و سریال های تلویزیونی فراوانی می بیند که هر یک از اینها می تواند نقش اساسی در یادگیری و بالا بردن راندمان آموزش داشته باشد، در حالی که ما فقط چشممان به میوه و محصول نهایی روی درخت است و نمی توانیم مسیر و شرایط شکل گیری میوه را ببینیم، در واقع آنچه در نظام ارزشیابی سنتی دیده می شود نتیجه کار است نه دستاوردهای دانش آموز.

د: در سیستم ارزشیابی سنتی معلم نقش کلیدی دارد، بر کسی پوشیده نیست که معلم در جریان آموزش نقش اساسی دارد. در واقع این معلم و نمره ای که او به دانش آموز می دهد، سرنوشت دانش آموز را می سازد. در حالی که در این روند نقش دانش آموز و کوشش وی برای یادگیری فراموش می شود.

اما شاید لازم باشد برای دریافت و درک روش جایگزین در ارزشیابی به این موضوع بپردازیم که یک سیستم ارزشیابی چه چیزی را باید مورد توجه و ارزیابی قرار دهد.

البته بیان این مساله نیاز به درک اهداف یک نظام آموزشی نیز دارد. اما به طور خلاصه می توان گفت در یک ارزشیابی علمی و همه جانبه باید زمینه های زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱- دانش، آگاهی و درک و فهم: ما باید دانش و آگاهی دانش آموز را بالا

خلاق یا یک مدیر موفق شود؟ تجربه نشان داده است که سیستم ارزشیابی نمره محور نه تنها باعث افزایش بهره روری نشده بلکه به نوعی به افت تحصیلی، پایین آمدن سطح یادگیری و تضعیف خلاقیت دانش آموزان منجر شده است. علاوه بر این استرس بالای ناشی از امتحانات برای کسب نمره معیار، به افزایش اختلال روانی و افزایش پرخاشگری در کودکان و نوجوانان و حتی والدین منجر شده است بچه ها مجبورند در شب های امتحان درسها را طوطی وار حفظ کرده و مطالب را به حافظه کوتاه مدت خود بسپارند و اگر ذهن و ادراک کودکی خسته و نامآمده باشد، ممکن است در وی احساس ضعف اعتماد به نفس ایجاد شده و او را به این نتیجه برساند که او نمی تواند درسش را به درستی بخواند و نمره مناسب را کسب نماید. تحقیقات در سه دبیرستان نشان می دهد که بیش از ۸۵ درصد دانش آموزان این ۳ مدرسه بعد از پایان امتحان ۳ درس جغرافی، ادبیات و علوم اجتماعی و به فاصله یک هفته، بیش از ۴۰ درصد مطالب خوانده شده را فراموش کردند و به فاصله ۲ ماه ۷۵ درصد و به فاصله ۶ ماه بیش از ۹۵ درصد مطالب را از یاد برده اند.

اما اگر بخواهیم به طور خلاصه نقاط ضعف ارزشیابی نمره محور را متذکر شویم به موارد زیر می توان اشاره نمود:

الف: در ارزشیابی نمره و امتحان محور همه نگاه و توجه به کسب نمره قبولی در پایان دوره

می گویند: ما در عصر اطلاعات زندگی می کنیم. عصری که هر فرد می تواند با یک کلیک کردن (click) کردن ساده، روی موج اطلاعات سوار شده و در نقطه ای دور دست فرود آید. دنیایی که همه چیز و همه ابعادش دچار تغییر و دگرگونی شده است. اما در همین دنیای به شدت پیشرفته، آموزش و تحصیل در برخی از کشورها همچنان با مشکلات و معضلات فراوانی روبروست. هنوز هم در کشور ما بچه ها برای قبولی در پایه های تحصیلی خود مجبور به امتحان دادن و گرفتن نمره قبولی هستند. برای من که سالها از دوران تحصیلی در مقطع متوسطه ام گذشته هنوز هم یاد و خاطره امتحانات سخت و گزنده است. امتحاناتی که گاهی جان و جواهر یک دانش آموز را می گیرد تا او را به سرمنزل مقصود برساند. اصلا باید این سوال را پرسید که چه نیازی به این همه سختی کشیدن و هراس و دلهره برای یادگیری است؟ مگر غیر از این است که ما آمده ایم تا با کسب علم و معرفت به پیشرفت و ترقی و موفقیت برسیم؟ چرا باید برای رسیدن به پیروزی این همه از روی موانع پرش نماییم و اگر پرنده خوبی نباشیم آن طرف قضیه با سرافکنندگی و شرم ساری و خجالت روبرو شویم. چرا با این همه تجربه آموزشی همچنان مدارس ما تبدیل به محل کورس و رقابت ناسالم بچه هایی شده است که هر کدام در جایگاه خود بی نظیر و شاهکار خلقت اند؟ آیا اگر دانش آموزی در کسب نمرات خود ناموفق بود، نمی تواند یک انسان





ارزشیابی همه جانبه و توصیفی را برای آموزش و پرورش پیشنهاد دهیم لازم است در این سیستم موارد زیر را مدنظر داشته باشیم.

۱- ارزشیابی جزء جدایی ناپذیر فرایند یاددهی، یادگیری است و به عنوان نقطه پایان این قضیه تلقی نمی‌شود، پس به نقش یادگیری در این راستا باید توجه شود.

۲- در ارزشیابی باید به فعالیت‌های گروهی و شیوه‌های مشارکت دانش‌آموزان توجه نمود. مثلاً بهتر است بچه‌ها را به انجام پروژه‌های گروهی تشویق و ترغیب نموده تا آنها نقش و اهمیت کارگروهی را درک نمایند.

۳- سیستم ارزشیابی باید انگیزه‌های پیشرفت و موفقیت را در فرد تقویت نماید. لذا باید به جای ارزشیابی امتحان و نمره محور به ارزشیابی میزان انگیزه‌های افراد برای پیشرفت و راه‌های تشویق آنها توجه نمود.

۴- سیستم نمره محوری، باعث رتبه‌بندی نادرست بچه‌ها می‌شود و چه بسا براند دانش‌آموزانی که هوش خلاق و ارتباطی بالایی دارند اما به دلیل ضعف در تست‌زنی و با آزمون‌های مختلف در رده‌های پایینی قرار می‌گیرند، پس ارزشیابی‌ها باید به خودشکوفایی و رشد خلاقیت منجر شود.

۵- تاکید بیش از حد نظام آموزشی به نمره ۲۰ و پرهیز از نمره زیر ۱۰ باعث ایجاد و گسترش فرهنگ سفید و سیاه دیدن در جامعه می‌شود. بهتر است به جای نمرات ۲۰-۱۰ از حروف A و B و C استفاده شود.

۶- نظام ارزشیابی باید بر پایه‌ای بنا شود که استرس و اضطراب را از جامعه دور نموده و یک احساس مسئولیت و تعهد را در افراد ایجاد نماید. پس بهتر است در طول ترم بچه‌ها را به شیوه‌های گوناگون مورد ارزشیابی و شناخت قرار داده و این روند را تا به جایی پیش ببریم که امتحان پایان دوره به یک آزمون فرمالیته و کم ارزش مبدل گردد.

۷- در روش‌های نوین از سیستم خود ارزشیابی نیز استفاده می‌شود. یعنی خود دانش‌آموز در ارزیابی خود مشارکت داشته و به خود نمره می‌دهد.

۸- سیستم ارزشیابی باید به تقویت تمام حواس دانش‌آموز توجه نموده و راه را برای تقویت نقاط ضعف یک فرد هموار نماید. به عنوان مثال اگر کودکی خوب گوش دادن و یا خوب صحبت کردن را نیاموخته، معلم با فهم نقاط ضعف دانش‌آموز باید در تقویت کمبودها و نارسایی‌ها بکوشد.

۹- ارزشیابی روشی برای تقویت اعتماد به نفس در تک تک دانش‌آموزان است. پس باید به گونه‌ای طراحی و در نظر گرفته شود که کودک و نوجوان در این روند احساس آرامش و امنیت بیشتری نمایند.▲

یک یادگیری تکاملی قرار دهد. یادگیری که حالت تعاملی و دوسویه داشته و مبتنی بر یادگیری‌های قبلی دانش‌آموز است. در واقع اگر ارزشیابی یک روند تدریجی رو به جلو باشد که از دوران پیش دبستانی آغاز و تا به دانشگاه ادامه می‌یابد، می‌توان گفت مراحل این روند حلقه‌های متصل یک زنجیرند که با پیوست و در کنار هم قرار داشتن می‌توانند در فرد یادگیری مادام‌العمر را رقم بزنند.

علاوه بر این ارزشیابی همه جانبه، یک نظام یادگیری گروهی و مشارکتی است که به تقویت همبستگی اجتماعی در میان دانش‌آموزان، گسترش تفکر، کار گروهی و بسط اندیشه جامعه مدنی کمک می‌کند. در این نوع ارزشیابی نمره بیست ارزش بالایی نداشته بلکه آنچه مهم است، بالا رفتن توانایی و مهارت‌های ذهنی، احساسی همه دانش‌آموزان است. در واقع در این مدل ارزشیابی فرد در گروه حل می‌شود. ضمن این که به خواسته‌ها، تمایلات و انگیزش‌های شخصیتی‌اش توجه ویژه می‌شود، اما تعلق او به گروه مرتباً تاکید می‌شود. نکته دیگری که در مورد ارزشیابی همه جانبه قرار دارد این است که دانش‌آموز نه فقط در

بیریم و به او فرصت یادگیری و شنا کردن در دریای بیکران علم را بدهیم، اگر بخواهیم علم را محدود به آنچه در کلاس گفته می‌شود نماییم و نمره سرنوشت کودکان ما باشد، در آن صورت با ضعف فهم همه جانبه علوم مواجه خواهیم شد.

۲- **مهارت‌ها:** دانش‌آموزان باید در کلاس درس مهارت‌های گوناگونی اعم از ورزیدگی‌های جسمانی و ذهنی، پیدا کردن توانایی‌های خاص، به دست آوردن مهارت‌های شخصی، توانایی ارتباط اطلاعات و... را پیدا کنند.

۳- **نگرش‌ها و ارزش‌ها:** دانش‌آموزان باید عقاید، ارزش‌ها و عرف جامعه خود و جامعه جهانی را بشناسند. کودکان امروز، شهروندان جامعه جهانی هستند و ما نباید درک آنها را محدود به حوزه‌های خاص کنیم.

۴- **رفتار:** ارتباطات اجتماعی، ویژگی‌های خرد، شایستگی‌ها و توانایی در انجام بعضی از کارها، بخشی از کارکردهای آموزش در عصر جدید است. حال اگر ارزشیابی نمره محور نتواند به این حوزه کمکی نماید طبیعی است که تحول و تغییر را به امری گریزناپذیر مبدل می‌سازد.

۵- **رشد خلاقیت‌ها:** دنیای جدید، دنیای کارآفرینی و تجربه در راه‌های نرفته است. دنیایی که رهبران آن انسان‌هایی خلاق و پویا و کارآفرین هستند. لذا طبیعتاً ما باید در ارزشیابی‌ها، به خلاقیت‌ها و میزان رشد آن توجه لازم را داشته باشیم.

بنابراین مشخص است با وجود مصادیق بالا، کار ارزشیابی یک معلم بسیار سخت خواهد بود. حال با این اوصاف چگونه می‌توانیم دانش‌آموز را با یک امتحان پایان ترم در تمام زمینه‌های ذکر شده مورد ارزیابی قرار بدهیم. اگر ارزشیابی فقط به فهم یک کتاب درسی و محتوای دانشی آن باشد، در آن صورت می‌توان گفت دانش‌آموز در تمام ابعاد و زمینه‌ها رشد نکرده و عملاً شخصیتی یک بعدی می‌یابد. نکته مهم دیگر این که از یاد نبریم که ما با انسان سروکار داریم. موجودی که بسیار پیچیده و دارای ظرافت‌های ذهنی، احساسی و فکری خاص است. انسان دارای توانایی‌های

گسترده و متنوعی است که قرار است در سیستم آموزشی این ویژگی‌ها و برجستگی‌ها به منصف ظهور و شکوفایی برسند. اگر در حال حاضر نظام آموزشی ما نمی‌تواند به باز تولید انسان‌های خلاق و خود شکوفا کمک نماید، لازم است نگاه عمیق‌تری به این دستگاه انسان ساز بیندازیم. شاید عدم توجه به سیستم استاندارد ارزشیابی یکی از آسیب‌های این دستگاه باشد. سیستمی که همان‌طور که گفته شد قرار است مهارت‌هایی در ما ایجاد نماید که مادام‌العمر قابل استفاده و برداشت باشد. در واقع یک ارزشیابی فرایند محور و همه جانبه، به همه ابعاد یادگیری و باز تولید آگاهی در معنای جامع آن توجه دارد و تلاش می‌کند که دانش‌آموز را در روند تدریجی رشد، در جریان

در فیلم سینمایی فرانسوی en tre les murs که در جشنواره کن جایزه ویژه برده است این روش جدید ارزشیابی به زیبایی تصویر می‌شود. در این فیلم ملاحظه می‌کنیم که چگونه گروهی از معلم‌ها، ناظر و مدیر در ارزشیابی تک تک بچه‌ها دور هم جمع می‌شوند و به تمام ابعاد روحی، روانی و شخصیتی دانش‌آموزان توجه می‌کنند

زیر تیغ نگاه یک معلم قرار نداشته بلکه عزیز دردانه یک معلم هم نیست. در واقع در سیستم‌های جدید ارزشیابی مجموعه گروه مربیان و مسئولین آموزشی به فعالیت یک دانش‌آموز رای می‌دهند. در فیلم سینمایی فرانسوی en tre les murs که در جشنواره کن جایزه ویژه برده است این روش جدید ارزشیابی به زیبایی تصویر می‌شود. در این فیلم ملاحظه می‌کنیم که چگونه گروهی از معلم‌ها، ناظر و مدیر در ارزشیابی تک تک بچه‌ها دور هم جمع می‌شوند و به تمام ابعاد روحی، روانی و شخصیتی دانش‌آموزان توجه می‌کنند. در سیستم ارزشیابی همه جانبه مردودی وجود نداشته و همه یادگیرنده‌های فعالی محسوب می‌شوند که در جایگاه شخصی خود رو به جلو حرکت می‌کنند. اگر بخواهیم به طور خلاصه یک روش مناسب